

# روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران  
دوشنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۲ - ۴ جمادی الثانی ۱۴۴۵ - ۱۸ دسامبر ۲۰۲۳ - شماره ۲۳۲۲ - سال هشتم  
۸ صفحه - قیمت ۱۰۰۰۰ تومان - صریب کیفی ۶۱۴  
hamdelidaily.ir hamdeli@gmail.com  
www.hamdeli.com  
t.me/HamdeliNews  
صاحب امتیاز، مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان  
سر‌دبیر: جلال خوش‌چهره  
چاپ: صمیم ۳۳۳۷۲۵-۴۴۵-۰۲۱  
تورج: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۹۳۳۰۰۰  
تهران- خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج  
خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۶۹۸۱۲۷۵-۰۲۱۶۹۸۱۲۷

## یادداشت

### درباره «سرسخت بودن»



آرش رازانی  
روزنامه‌نگار

به جایی می‌رساند که دیگر حتی سرسختی هم کافی نیست و ناگزیر از روش‌های غیراخلاقی‌ای که در عرف تحت عنوان «زرنگ بازی» شناخته می‌شوند؛ یا از اقسام مشاجره و نزاع و درگیری استفاده می‌کنیم. و در همه این احوال خود را تحسین می‌کنیم که «کم‌نیاورده‌ایم!» اگر بنا باشد در تمام فعالیت‌های زندگی خود یکی را در تمام شرایط فضیلت بدانیم، آن فضیلت قطعاً «قوی ماندن» نیست. امال و آرزوهای ما که سرچشمه تعیین اهداف بلندمدت و کوتاه مدت ما هستند غالباً از احساسات ما نشأت گرفته‌اند. اگر این آرزوها در مسیر تبدیل شدن به اهداف به حد کافی تحلیل نشوند و سنگ محک تعقل آن‌ها را نسنجد، تبدیل به جریانی خلاف جهت اصلی خود خواهند شد. سرسختی به خرج دادن در راه رسیدن به هدفی که معقول نیست، در نهایت منجر به نادیده گرفتن احساسات و حتی ارزش‌های انسانی ما خواهد شد. ما زندگی می‌کنیم تا جان خود را کمال بایست‌اش برسانیم، تا انسانیت را آن‌گونه که شایسته است در خود به منصف ظهور برسانیم. در این راه البته که قوی بودن و پایمردی بر سر آنچه جان ما را به کمال می‌رساند کار درستی است؛ اما سرسختی به خرج دادن در راه رسیدن به هدفی که لزوماً معقول یا انسانی نیست و احتمال دارد برخاسته از ترس یا طمعی باشد، ما را از هدف اصلی زندگی دور می‌کند. در روزگاری که به حد کافی برای دور کردن ما از «انسانیت» دشوار است، با انتخاب روش‌های اشتباه در زندگی کار را برای انسان ماندن خود دشوارتر نکنیم.

## موزه

### کشف یک خانه بی نظیر



باستان‌شناسان با کاوش در ایتالیا بقایای یک خانه باستانی رومی و موزائیکی بی‌نظیر را کشف کردند. وزارت فرهنگ ایتالیا روز سه‌شنبه اعلام کرد که باستان‌شناسان ایتالیایی یک عمارت رومی مجلل را در نزدیکی «کولوسئوم» کشف کرده‌اند که در آن موزائیک «بی‌نظیری» از صدف، مرمر و سنگ‌های قیمتی ساخته شده است. در این موزائیک سه کشتی سوار بر موج به مقصد یک شهر ساحلی حرکت می‌کنند. بر اساس سایر عناصر به تصویر کشیده‌شده در این موزائیک می‌توان احتمال داد که مالک این خانه بیش از دوهزارساله، پیروز یک نبرد بوده است. قدمت این ساختمان به فاصله نیمه دوم قرن دوم پیش از میلاد و اواخر قرن یکم پیش از میلاد بازمی‌گردد و وزیر فرهنگ ایتالیا با انتشار بیانیهای درباره کشف این بنا آن را «یک گنجینه اصیل» عنوان کرد. در این عمارت به دنبال کشف مجموعه‌ای از دیوارها در سال ۲۰۱۸ پیدا شده و تاکنون فقط برخی از این اتاق‌ها و اواخر قرن یکم پیش از میلاد بازمی‌گردد و در مکان تا سال ۲۰۲۴ همچنان ادامه خواهد داشت. اتاق اصلی این عمارت به شکل یک سالن ضیافت ساخته شده و بیشتر در ماه‌های فصل تابستان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. بر اساس بیانیه

## تأویف تاریخی

### ماجرای فرار سران حزب توده از زندان قصر

۱۵ دسامبر سال ۱۹۵۰ (۲۵ آذرماه ۱۳۲۹) با یک نقشه از پیش تهیه شده دقیق، سران و بنیادگذاران حزب توده ایران که برخی از آنان در کابینه‌های پیش از آن به وزارت هم رسیده بودند از زندان قصر فرار کردند. آنان از جمله دکتر نورالدین کیانوری، دکتر مرتضی یزدی، دکتر جودت، نوشین و قاسمی قبلاً در اختیار محاکم نظامی بودند که یک دادگاه دادگستری تهران اوایل آذرماه آن سال به اعتراضشان رسیدگی، و اقدام محاکم نظامی درباره آنان را خارج از صلاحیت اعلام داشت و حکم داد که پرونده جهت تحقیق به دادسرای تهران ارسال شود. پس از ابلاغ حکم به دستگاه قضایی ارتش، بررسی و مذاکره برای رد و یا قبول آن آغاز شد. ۱۸ روز پس از صدور این حکم در حالی که هنوز تصمیمی درباره ارسال پرونده به دادسرای تهران گرفته نشده بود و بعید بود که با آن موافقت شود، با تهیه نقشه قبلی یک نفر با لباس افسری ارتش و خودرو نظامی به زندان قصر مراجعه و خود را نماینده دستگاه قضایی ارتش معرفی و زندانیان را تحویل گرفت. دو افسر نگهبان زندان هم که از پیش در جریان ماجرا بودند به بهانه بدرقه زندانیان با همین خودرو فرار کردند. از میان این عده بعداً دکتر یزدی دستگیر

و به اعدام محکوم شد که مجازات او به حبس ابد کاهش یافت. حزب توده پس از تیراندازی به شاه در ۱۵ بهمن سال ۱۳۲۷ در دانشگاه تهران، غیرقانونی اعلام شده و سران آن تحت تعقیب قرار گرفته و به تدریج دستگیر شده بودند. سال‌ها بعد، پس از بهبود مناسبات ایران با شوروی، این دولت یکی از دو افسر نگهبان زندان قصر را که پس از فرار، به آن کشور پناهنده شده بود به ایران تسلیم داشت! که در اینجا اعدام شد. حزب توده در جریان انقلاب سال ۱۳۵۷ و پس از آن فعالیت خود را علنی ساخت، در انقلاب شرکت کرد و سه سال پس از پیروزی انقلاب مورد سوءظن جمهوری اسلامی قرار گرفت و متهم به جاسوسی برای شوروی شد، شدیداً سرکوب و کیانوری (دبیر کل وقت حزب) هم به زندان افتاد. کیانوری پنجم نوامبر ۱۹۹۹ و در ۸۴سالگی درگذشت. حزب توده بزرگترین حزبی بود که از آغاز قرن ۲۰ در ایران به وجود آمده بود و شمار اعضای آن در دوران حکومت دکتر مصدق بیش از هر وقت دیگر بود و یک سازمان نظامی با بیش از یکصد افسر داشت که در سال ۱۹۵۴ (۱۳۳۳ هجری خورشیدی) بسیار از آنان اعدام شدند. منبع: روزنامک

## یادداشت



محمدحسین علایی  
جامعه‌شناس و مولف کتاب «گفتمان وفاق»

### روشنفکر انقلابی کیست!؟

اطلاق می‌شود که از عنصر خودآگاهی برخوردار است و از آن برای گشودن راه برای تداوم حیات اجتماعی بهره می‌جوید. اگر به همین تعریف روشنفکری ماخوذ از بوطیقای شریعتی بیشتر بیاندیشیم پاره‌ای سوءتفاهمات برخاسته از ترکیب روشنفکر انقلابی خود به خود از میان خواهد رفت و تناقضاتی که متوجه آن هست، بی‌وجه خواهد شد. روشنفکر انقلابی در شرایط انسداد جامعه به دنبال گشایش است، و امکاناتی برای خلاص شدن از فروبستگی جامعه می‌جوید، طرح افکنی «گفتگو» به‌عنوان راه فلاح جامعه، شرایطی را اقتضا می‌کند که به لحاظ انضمامی این روشنفکر انقلابی است که به جهد خویش به تمهید شرایط گفتگو می‌پردازد و با تسلط به زبان این هر دو قوم؛ یعنی روشنفکران و انقلابیون، به شرایط گفتگو قوام می‌بخشد. در سیاق تاریخی، مراد از انقلابیون مدافعان گفتمان انقلاب است که از منطق مونیولوگ تبعیت می‌کند و مع الاسف تنها میان دایره تنگ هاداران بازتولید می‌شود و از نا‌آشنایی با زبان «دیگری» رنج می‌برد. روشنفکرانی هم که نقش خویش را در حاشیه تعارضات دولت-ملت تعریف می‌کنند مع الاسف با زبانی سرشار از بغض و کینه نسبت به مدافعان گفتمان انقلاب سخن می‌گویند. آیا می‌توان منطق گفتگو را پیشنهاد داد و به لوازمات آن تن نداد، خواهند گفت اصلاً قدرت سیاسی گوشش با دهکار نیست اما نگارنده تأکید دارد که با انگشت گذاشتن بر سر اشتراکات و ارزش‌های خاص گفتمان انقلاب می‌توان به امکان بروز گشایشی در فضای گفتمانی جامعه امیدوار بود. تأکید به اشتراکاتی چون عشق به مفاهیم ملی از جمله «شهید»، «میهن»، «تمامیت ارضی»، «فرهنگ متکثر ملی» و... می‌تواند در ایجاد شرایط گفتگو موثر افتد؛ و البته بایستی به جان‌فشانی‌ها و خدماتی که تا

## کتاب

### کتابی با پایان باز که مخاطب را رها نمی‌کند



«چه کسی می‌تواند به یک خرس قطبی کمک کند؟» سبک بسیار خلاقانه‌ای دارد که از اصول و خطوطی که ذهن آن را پذیرفته است، عبور می‌کند. «چه کسی می‌تواند به یک خرس قطبی کمک کند؟» کتابی است که با داستان کتابچه‌ای جادویی آغاز می‌شود و اتفاقات جالبی را در خانواده‌ای که در شهر زندگی می‌کنند، رقم می‌زند. در این کتاب تکه کاغذ، نامه‌ای از طرف یک خرس قطبی است که به خاطر گرما خانه‌اش خراب شده و حالا جایی برای زندگی کردن ندارد. تنها چیزی که خرس قطبی می‌خواهد یک خانه جدید است و یک تکه یخ جدید. خانواده شهری وقتی نامه خرس قطبی را می‌خوانند دور هم جمع می‌شوند تا با هم‌فکری یک خانه جدید برای خرس قطبی پیدا کنند؛ اما خرس قطبی بزرگ‌تر از آن است که در یخچال جا شود یا کارخانه یخ‌سازی بتواند نگهش دارد؛ پس این خانواده چه باید بکنند؟ این دقیقاً نقطه ابهامی است که کتاب ما را با آن تنها می‌گذارد؛ لحظه‌ای که کتاب تمام می‌شود اما داستان همچنان ادامه دارد. این داستان تازه در ذهن مخاطب خود آغاز می‌شود و بچه‌ها را به فکر فرو می‌برد. اگر واقعاً با تمام یخ‌های یخچال خرس قطبی را نمی‌توان نجات داد، باید برای او چه کنیم؟ این کتاب سبک بسیار خلاقانه‌ای دارد که از اصول و خطوطی که ذهن آن را پذیرفته است، عبور می‌کند. تخیل پایه اولیه این داستان است و درست در لحظه‌ای که خرس قطبی را در حال نامه نوشتن می‌بینیم آغاز می‌شود. با این

آغاز، مخاطب خردسال خود را به پرسش‌ها و می‌دارد که: «چرا خرسه می‌تونه نامه بنویسه؟» خرس‌ها که حرف نمی‌زنند.» و پا در جهان داستان می‌گذارد. در جهانی که هیچ دلیلی منطقی نیست و قرار نیست چیزی با عقل جور در بیاید. حتی راه‌حلهایی که برای نجات خرس قطبی پیشنهاد می‌شوند به‌شدت کودکانه و غیرمنطقی هستند و این نشان می‌دهد که نویسنده این اثر به خوبی با ذهن مخاطب خود آشنا است و می‌داند که چطور مخاطب خود را به فکر فرو برد که از بیان نظرات غیرمنطقی‌اش ترسند و به راحتی از محدوده‌هایی که برای آن‌ها در مدرسه و خانه و جهان ماشینی‌شده امروز می‌کشیم عبور کند. البته نویسنده ذهن کودک را در جهانی تماماً خیالی تنها نمی‌گذارد و او را به سمت راه‌حل‌های بهتر هدایت و راهنمایی می‌کند. شخصیت پدر خانواده موتور محرک ایده‌پردازی‌های کودکانه است و اولین کسی است که پیشنهادش را بیان می‌کند و شخصیت مادر فردی است که با نگاه عاقلانه این خیال‌پردازی‌ها را هدایت می‌کند تا بچه‌ها به جواب‌های بهتری برسند. این دو شخصیت بحث و گفتگو را بین بچه‌ها باز می‌کنند و به نوبه‌ی نحوه گفتمان صحیح در خانواده را به طوری که کودکان بتوانند در آن مشارکت داشته باشند به نمایش می‌گذارند. در نهایت وقتی این خانواده به جوابی نسبتاً منطقی می‌رسند مسئولیت اجرای آن نظر را به عهده بچه‌ها می‌گذارند و به آن‌ها حس اطمینان و اعتمادبه‌نفس می‌دهد. این الگوی رفتاری

## روزنامه همدلی

در من این هست که صبرم ز نکورویان نیست زرق نفروشم و زهدی نمایم کان نیست ای که منظور بینی و تأمل نکنی گر تو را قوت این هست مرا امکان نیست ترک خوبان خطا عین صوابست ولیک چه کند بنده که بر نفس خودش فرمان نیست من دگر میل به صحرا و تماشا نکنم که گلی همچو رخ تو به همه بستان نیست ای پری‌روی ملک‌صورت زیباسیرت هر که با مثل تو انشس نبود انسان نیست

## مجازی‌سازی

منظورتون چیه که شما با خودتون صحبت نمی‌کنید؟ من طوری با خودم صحبت می‌کنم که انگار همزمان دارم با پنج آدم حراف می‌زنم. خودم رو مستخره می‌کنم، به چالش می‌کشونم و از خودم سؤال می‌پرسم. چقدر سالم هستید، وا. «Nera»

قهوه در خارج به نوشیدنیه که بخوری یکم سسر حالت کنه بری دنبال حمالی، اما در ایران نوشیدن قهوه و دونستن انواع اسه‌ها و ریز شدن در انواع ترکیبات و دونه هاش وسیله ایه که ملت فکر میکنن باهاش یک قدم به پیوند با جامعه جهانی یا یک قدم به ویژه‌ای کانادا نزدیک شون میکنه. «دانبال»

من بعد کلی تلاش و برنامه‌ریزی به چیزی می‌خواستم نرسیدم، آدم مورد علاقه زندگیمو از دست دادم، دوستای صمیمیم که روزم بدون اون‌ا شب نمی‌شد از زندگیم رفتن، اعتماد کردم، خیانت دیدم، دروغ شنیدم، نادیده گرفته شدم و بدترین برخورد باهام شده. شبایی که حالم بد بوده تنها بودم. خلاصه که زیاد رو تلاش و برنامه‌ریزیاتون حساب باز نکنید. «امیر»

امروز تو فروشگاه، یه پسر به فروشنده‌ی لوازم آرایش می‌گفت: «لطفاً روی بسته بنویسد «بیدون آشنی کردی و دیگه ناراحت نیستی، ولی این هدیه واسه جبران اشتباهمه»، حقیقتاً شومر جبران اشتباهه، از عذرخواهی کردن خیلی مهم‌تره. «صباحشونم»

## تجارب

### دانشمندان یک زیست‌رایانه با بافت واقعی از انسان ساختند

دانشمندان دانشگاه ایندیانا در آن چه شبیه به صحنه‌ای از یک فیلم علمی-تخیلی به نظر می‌رسد، یک رایانه زیستی هیبریدی ساخته‌اند که بافت مغز انسان در آزمایشگاه را با مدارهای سنتی ادغام می‌کند. این فناوری نوآورانه که به عنوان Brainware شناخته می‌شود، پتانسیل ادغام در سیستم‌های هوش مصنوعی (AI) و پیشرفت مدل‌های تحقیقاتی علوم اعصاب مغز انسان را دارد. ارگانونی‌ها از سلول‌های بنیادی تشکیل می‌شوند که توانایی تبدیل شدن به سلول‌های مختلف، از جمله سلول‌های عصبی هدف این تحقیق ایجاد ارتباط بین هوش مصنوعی و ارگانونی‌ها است، زیرا هر دو سیستم بر انتقال سیگنال‌ها از طریق گروه‌های به هم پیوسته متکی هستند که یک شبکه عصبی را تشکیل می‌دهند. فنگ گسو، یکی از نویسندگان این مطالعه و مهندس زیستی در دانشگاه ایندیانا، می‌گوید: ما می‌خواستیم این سوال را بپرسیم که آیا می‌توانیم از شبکه عصبی زیستی درون ارگانونی مغز برای انجام محاسبات استفاده کنیم یا خیر. برای ایجاد سیستم Brainware، محققان یک ارگانونی واحد را روی صفحه‌ای قرار می‌دهند که حاوی هزاران الکترود است که مغز را به مدارهای الکتریکی متصل می‌کند.

سپس اطلاعات ورودی مسود نظر را به الگویی از پالس‌های الکتریکی تبدیل می‌کنند که به ارگانونی‌د می‌رسند. پاسخ بافت مغز توسط یک حسگر ثبت می‌شود و با استفاده از یک الگوریتم یادگیری ماشینی که اطلاعات مربوطه را رمزگشایی می‌کند، تجزیه و تحلیل می‌شود. برای آزمایش قابلیت‌های Brainware، محققان از تشخیص صدا استفاده کردند. آنها سیستم را روی ۲۴۰ صدای ضبط شده از هشت نفر آموزش دادند و صدا را به سیگنال‌های الکتریکی تحویل داده شده به ارگانونی‌د ترجمه کردند. مغز کوچک به هر صدا واکنش متفاوتی نشان داد و الگوهای مشخصی از فعالیت عصبی را ایجاد کرد. هوش مصنوعی یاد گرفت که این پاسخ‌ها را تفسیر و گوینده را به طور دقیق شناسایی کند و پس از آموزش به دقت ۷۸ درصدی دست یافت. در حالی که انجام تحقیقات بیشتر ضروری است، این مطالعه مفاهیم نظری مهمی را نشان می‌دهد که در نهایت می‌تواند راه را برای ساخت رایانه‌های زیستی هموار کند. آزمایش‌های قبلی توانایی کشت‌های سلولی دو بعدی نورون‌ها را برای انجام وظایف مشابه نشان داده است اما این اولین باری است که چنین قابلیت‌هایی در یک ارگانونی‌د مغزی سه‌بعدی نشان داده می‌شود. ترکیب ارگانونی‌ها و رایانه‌ها می‌تواند محققان را قادر سازد تا از سرعت و کارایی مغز انسان برای کاربردهای هوش مصنوعی بهره ببرند. علاوه بر این، Brainware کاربردهای بالقوه‌ای در تحقیقات مغز به ویژه برای مطالعه اختلالات عصبی مانند بیماری آلزایمر و آزمایش اثرات درمان‌های مختلف بر روی ارگانونی‌ها دارد. با این حال، استفاده از سلول‌های زنده برای محاسبات، چالش‌هایی از جمله حفظ ارگانونی‌ها را به همراه دارد. رشد و زنده ماندن ارگانونی‌ها ممکن است با بزرگتر شدن آنها پیچیده‌تر شود.

## دریچه



مارکو دی آنجلیس - ایتالیا